حج در اديان؛ برگرفته از دائرة المعارف تركيه

قديري تليك

زيارت اماکن مقدس ، با انگيزة الهي يا قصد قربت, يکي از ارکان پنجگانه در اسلام است .

واژة « حج » در زبان عبري « حگ » است ؛ به معناي عيد . اين واژه از ريشة « ح » و « گ » به معناي « پيرامون چيزي گشتن و طواف کردن » است .

حج يا حگ ، از تعابير قديمي زبان سامي بوده وغير از زبان عبري ، در زبان هاي آرامي و صائبي نيز وجود داشته است . معناي اصلي اين لغت ، پيرامون چيزي طواف کردن و دور زدن و حلقه وار اطراف آن را گرفتن است .

حج ، در زبان عربي به معناي رفتن ، رو آوردن و زيارت کردن است و در اصطلاح فقهي ، به مجموعه اي از اعمال و مناسک گفته مي‌شود که مسلمان مستطيع بايد در زمان معين به جا ‌آورد . اين اعمال شامل زيارت کعبه ، عرفات ، مزدلفه ، منا و انجام وظايف عباديِ خاص در اين مکان ها است . کساني که اين عبادت را انجام مي دهند ، در عربي « حاج » ( جمع ؛ حجاج ) و در ترکي « حاجي » ناميده مي‌شود .

حج در اديان پيش از اسلام

در اصلِ حج ، باور و اعتقاد به « تجلّي الوهيت در يک مکان » نهفته است . اماکني که از ديدگاه اديان ، مقدس شمرده مي شوند ، از لحاظ مکاني با جاهاي ديگر تفاوتي ندارند ، ولي در اينجا تجلّي الوهيت ، يا وقوع حادثه‌اي مرتبط با اعتقاد و باور مردم و يا ارتباط تنگاتنگ اين مکان با شخصيتي ديني ، آن را از اماکن ديگر متمايز مي سازد و به آن قداست مي‌بخشد .

همچنين اسرارآميز و خوفناک بودن چنين مکان هايي ، از عناصر قداست‌بخش آن است . پس انسان ، مکان مقدس را ، نه انتخاب ، که کشف مي کند .

انسان دين مدار بر مکان هاي مقدس ، نگاهي متفاوت دارد و معمولاً آن را با سنگ‌چين ها يا خاربست هايي ، از اماکن ديگر جدا مي‌کند . اين جداسازي ، تنها براي نشان دادن تقدّس مکان نيست ؛ بلکه آن ها نشانه‌ها و موانع موجب مي شود که افراد بي‌توجه و بدون آمادگيِ وارد حريم آن نشوند ؛ روشن است که ورود به صحن مقدسي ، آداب ويِِژه و متعدد دارد . اهميت آستانة خانه يا معبد نيز از همين جا نشأت مي‌گيرد . [ 1 ]

واژة مکان مقدس وسنت زيارت چنين جايگاهي ، درطول تاريخ و در همة ملت ها وجود داشته است . زيارت اماکن مقدس ، براي کسب منافع مادي ، معنوي و اخلاقي صورت مي‌گيرد ؛ منافعي که از ناحية قدسيت آن مکان براي شخص زائر حاصل مي‌شود . [ 2 ]

حج در حقيقت اين است که شخص از سرزمين خود ، به طرف مکان مقدس يا معبدي مسافرت نمايد . در اين صورت ، در مقابل زحمتي که متحمّل شده ، انتظار دارد که منافع مادي و معنوي بسياري به دست آورد ، از رفع مشکلات جسمي ، تا حيات ابدي . [ 3 ]

در تمام اديان قبيله‌اي ، ملي يا جهاني ، اماکن مقدس وجود داشته و زيارت آنها مرسوم بوده است . در خاور نزديک از 2000 سال قبل از ميلاد ، جايگاه هاي حج وجود داشته است ؛ به خصوص در سرزمينهايي که داراي تمدن بوده‌اند .

نيپور [ 4 ] در بابل و نينوا [ 5 ] در عاشور ، مراکز زيارتي بوده‌اند . از اوراق به دست آمده Mari نيز اينگونه برمي‌آيد که در قرن 18 قبل از ميلاد ، معبد سين [ 6 ] در حاران و معبد بليت اکاله [ 7 ] در قاتنا [ 8 ] از زيارتگاه‌هاي مشهور بوده‌اند .

در عصر برنز در معبد بائولتيس [ 9 ] در بيلاس [ 10 ] هداياي بسياري وجود داشت که از مصر آورده شده بود .

در ميان سومريها معبد انليل [ 11 ] که در نيپور واقع شده بود و در ميان ساميها معبد اشتار [ 12 ] در نينوا شهرت داشت . بعد از سومر نيز ، گذرگاه‌هاي مقدس به وجود آمد . بتهاي اساگيل [ 13 ] و ماردوک [ 14 ] هم بتهايي بوده‌اند که زائران براي زيارتشان راه هاي دور و نزديک را مي‌پيمودند .

در تاريخ چين کهن ، اولين مراکز حج ، پنج کوه بوده‌اند با نامهاي : سانگ‌شان [ 15 ] تاي‌شان [ 16 ] هُواشان [ 17 ] ، هنگ‌شان [ 18 ] و نونياشان [ 19 ] که هم تائوئيست ها و هم بودائي ها بر فراز اين کوه ها معابدي براي زيارت مي‌ساختند و همين معابد بعدها از مراکز مهم حج براي پيروان اين اديان گرديدند .

علاوه بر اين در آيين بودا ، مراکز بزرگ و جديدي براي حج به وجود آمد ؛ معابدي که وقف بودا و بودائيان شده بود و نامهايشان عبارت بود از : ووتاي‌شان ، [ 20 ] او مي شان ، [ 21 ] پوتوشان ، [ 22 ] چيوهُواشان . [ 23 ]

مهم‌ترين اين معابد « وو تاي شان » در شمال شرقي چين بود که پنج تپه را شامل مي‌شد .

صدها سال است که نه تنها از چين ، بلکه از ژاپن ، مغولستان ، مانچوريا ، آسياي ميانه و هندوستان ، زائران بسياري براي برپايي مراسم حج ويژة بودائيان به اين مکان مي‌آيند .

در مراسمي که در پاييز برگزار مي‌شود ، حاجيان در حالي که لباس هاي زرد و قرمز بر تن دارند و چوبهاي بخور و کاسه‌ها را در دست گرفته‌اند ، در گروه‌هاي ده تا پانزده نفري ، بي‌صدا عبادت مي‌کنند . ( مديتاسيون ) تنها از گياهان تغذيه مي‌شوند ، در طول اين مسافرت طولاني ، توبه مي‌کنند و موقع رسيدن به محل حج ، شست و شو مي‌نمايند و وارد معبد مي‌شوند . اين عبادت و رياضت ، تا زمان برگشت به سرزمينهاي خود ، ادامه مي‌يابد .

عبادت حج در هندوئيسم نيز وجود دارد . همزمان با استيلاي آريايي ها بر شبه جزيرة هند ، و ايجاد معابد هندوها ، تعداد مکان هاي زيارتي بيشتر شده است . در قرون وسطي رفتن به سرزمين‌هاي دور به قصد حج ، مرسوم بوده است . در جنوب خليج کومورين ، [ 24 ] در شرق ، اُِِرسيا ، [ 25 ] در غرب کاتهياوار [ 26 ] و هيماليا ، مکان هاي حج محسوب مي‌شده‌اند . زيرا محل عزلت‌گزيني روحانيون بوده‌اند .

در اين حج ، غسل و طواف از عناصر اصلي به شمار مي‌آيند . در عقايد هندوئيسم ، زيارت بنارس [ 27 ] و غسل در نهر گانژ ، [ 28 ] حيات مجدد پس از مرگ و داخل شدن در زمرة اهل سعات را بشارت مي‌دهد .

حج در بوديسم در مکانهايي انجام مي‌شود که يادگارهاي بودا را در خود دارند . يکي از مريدان بودا به نام آناندا ، [ 29 ] به سفارش بودا وظيفه داشت که پس از مرگ ، خاکستر بدن او را در استوپا [ 30 ] ( اماکني که يادگارهاي بودا در آن نگهداري مي‌شود . ) مخفي کند . پس از مرگ بودا ، خاکستر بدن او به هشت قسمت تقسيم شد ، بعدها دو قسمت ديگر از آن نيز جدا شد و در ده استوپا نگهداري گرديد .

سلطان آشوکا [ 31 ] اين استوپاها را که به همان شکل حفظ شده بودند ، بازکرد و خاکسترها را به 48 قسمت تقسيم نمود ( و در مکان هاي متعددي قرار داد . )

غير از خاکستر بدن بودا ، آيين بودايي ، دو ميراث ديگر هم از او دارد : يکي اشيايي که از او به جا مانده ، مانند ظرف صدقه‌اي که از آن استفاده مي‌کرده و جاي پاها و نشانه‌هايي که از خود به جاي گذاشته و ديگري مجسمه‌هايي که مانند ستوپاها يادآور بودا هستند ، امّا خاکسترهاي بدن بودا را در خود ندارند .

در بوديسم ، قديمي‌ترين سندهاي مربوط به حج ، دستورات سلطان آشوکاست . آشوکا مي‌گويد که در همين سال حکومتش ، سفري براي يافتن حقيقت [ 32 ] انجام داده و به مکاني که بودا روشنايي کسب کرده ، رفته است . يعني به « بودهاجايا » . [ 33 ] از آن روز تا کنون بودهاجايا مهم‌ترين جايگاه حج براي بودائيان بوده است .

مکان هاي ديگري که بودائيان به عنوان حج زيارت مي‌کنند ، عبارت‌اند از ، سيدهارتهاگوتاما [ 34 ] در پنال ( محل تولد بودا ) [ 35 ] پارک گوزن [ 36 ] که در نزديکي هاي بنارس واقع است . ( بنارس اولين مکاني است که بودا در آن سخنراني و موعظه کرده است ) و کوشيگاراتا [ 37 ] در اوتارپردادش [ 38 ] که محل رسيدن به نيروانا [ 39 ] يعني مرگ بودا مي‌باشد .

ولي هيچ يک از اين مکاها براي بودايي ها جايگاه معنوي بودهاجايا را ندارد ؛ زيرا بودها جايا ممثّل زايش بوديسم است .

علاوه بر اين از هندوستان تا سريلانکا هر چه که از بودا به جا مانده است و مکانهايي که معتقدند بودا آنها را زيارت کرده است ، اکنون به عنوان مراکز حج بودايي شناخته مي‌شوند .

کساني که اين مراکز را زيارت مي‌کنند ، سه دسته‌اند . گروه اول کساني که مي‌خواهند نيروي سحرآميز موجود در اين مکانها را به دست آورند ؛ گروه دوم کساني که زيارت را مرحله‌اي براي رسيدن به بودا و راهي که به روشنايي مي‌انجامد ، مي‌دانند ؛ و گروه سوم آنان که مي‌خواهند با اين زيارت ارزش و اعتباري کسب کنند .

در اين دنيا حجي که با رو آوردن به بودا آغاز مي‌شود ، با رسيدن انسان به درک صحيح [ 40 ] که همان حج دروني است ، به بالاترين مرتبة خود مي‌رسد .

در اعتقادات ژاپني ، کوه ها وطن خدايان هستند . بنابراين دامنة کوه ها صدها سال است که جزو مکانهاي زيارتي است . از هفت قرن پيش تا کنون دامنه کوه ها در ميان بودائيان نيز به عنوان مکانهاي حج زيارت شده است .

در رسوم ژاپن ، مکانهاي متعددي براي حج وجود دارد که متعلق به شينتوها و بودائيهاست . حج ژاپني‌ها ، [ 41 ] زيارت کردن منظم و متوالي مکانهاي زيارتي است که در بخشهاي مختلفي از کشور پراکنده‌اند .

نوعي حج هم وجود دارد که در آن تنها يک محل زيارت مي‌شود .

معبدي که در ايسه واقع شده است ، مرکز حج شينتوها مي‌باشد . که براي والاترين خداي شينتوئيسم زندگي مي‌کنند .

در ادوار ديني مختلفي که تا قبل از روم هلنيست در مصر وجود داشت ، عبادت حج همواره مرسوم بوده است . عمده‌ترين مکان هاي حج « ددو » [ 42 ] يا « بوسپريس » [ 43 ] ( خانة اوسيريس ) در دلتا و همچنين « بوباستيس » [ 44 ] در دلتا بود که معبد خدايان کله‌گربه‌اي در آنجا واقع شده است .

بنابر گفتة هزدوت ، شمار کساني که براي عيد بزرگ به بوباستيس مي‌آمدند ، بالغ بر هفتصد هزار نفر بوده است .

آبدياس [ 45 ] يا آبدو [ 46 ] ، در مصر فوقاني از اهميت بيشتري نسبت به ساير مکان ها برخوردار است . در اين مکان که سر اوسيريس در آن واقع است ، اسرار اوسيريس را جشن مي‌گرفتند و اعتقاد داشتند که با زيارت اين مکان به سعادت اخروي مي‌رسند .

بعدها دشت آمون [ 47 ] - که امروز سيوا [ 48 ] ناميده مي‌شود – از مراکز مهم حج در گرديد . در دوران پتولم‌ها [ 49 ] هم آيين سراپيس [ 50 ] رونش پيدا کرده بود و زيارتگاه ممفيس [ 51 ] اهميت خاصي داشت .

در سوريه نيز بيلابس ، [ 52 ] آفاکا ، [ 53 ] بعلبك, « هليوپوليس تير » [ 54 ] به خصوص هيراپوليس [ 55 ] مهم‌ترين مراکز حج به شمار مي‌آمد . در دوران روميها, توريست هاي‌ بسياري‌ از کشورهاي دور براي زيارت اين مکانها مي‌آمدند . هر کس که به زيارت هيراپوليس مي‌آمد, بايد قبل از ورود به شهر, براي زيارت حج, موها و ابروهايش را کوتاه مي‌کرد .

طواف کردن يک معبد يا سنگ مقدس, در ميان اعراب قبل از اسلام نيز رايج بود . ( DB,1,511 ) .

تورات تمام مردان يهود را وادار مي کرد که هر سال سه بار در قدس, بارگاه يحوه [ 56 ] حضور يابند . [ 57 ] در سه عيد فسح ( فتير ) , [ 58 ] چاوت ( هفته‌ها ) [ 59 ] و سوكوت ( سايبانها ) . [ 60 ]

در ساختار سنتي يهوديت ، کلمة hag ، حج و عيد ديني را به هم مرتبط مي‌ساخت . اعياد مهم ديني با جايگاه‌هاي عبادت مرتبط بودند و حاوي گردش‌گري مذهبي نيز بودند .

اساساً حج سنتي در زبان عربي Aliyyah leregel ( قدم زنان خارج شدن ) نامگذاري مي‌شود . حج از زماني که يهوديان ملتي مستقل شدند ، سازماندهي شد و از مردان خواسته شد که در سه عيد به قدس بروند .

مکان هايي که در آيين يهود به عنوان حج زيارت مي‌شوند ، سه دسته‌اند :

1 ) مکان هايي که در قدس و اطراف آن پديد آمده ، صاحب ويژگي‌هاي تاريخي‌اند و در تاريخ کتاب مقدس ذکر شده‌اند .

2 ) مقبرة دانشمنداني که نام هايشان در تلمود و کابالا آمده و عموماً در جليله واقع شده‌اند .

3 ) مراکز مختلفي در اسرائيل که براي دانشمندان دياس پورا [ 61 ] ( محل‌هاي زندگي يهوديان خارج از فلسطين ) و زاهدان نذر شده است .

مکان هايي که در عهد عتيق ذکر شده‌اند ، بعدها براي شخصيت هاي مهم روي داده ، نام برده شده‌اند . در زمان حضرت ابراهيم شکم ، [ 62 ] بيت ايل ، [ 63 ] حبرون يا مامده [ 64 ] ، بيرشبا [ 65 ] ، ‌بيرلاهاي روي ؛ [ 66 ] در زمان حضرت يعقوب پنيل ، [ 67 ] بيت ايل [ 68 ] و شکم از اين مکان ها هستند .

محلهاي نام برده ، معمولاً مرتفع و داراي منابع آب بوده‌اند . از سوي ديگر محل دفن شخصيت هاي بزرگ چون حضرت ابراهيم ، ساره ، اسحاق و يعقوب نيز در حبرون زيارت مي‌شد .

در دوران حاکمان با فتح کنعان ، زندگي ثابت شروع شد . قربانگاه ها نقش هاي متنوعي را ايفا کردند و از لحاظ محلي و قبيله‌اي ، بين اقوام مختلف ، مکان هاي زيارتي متعدّدي ايجاد شد .

امّا حج به معناي واقعي ، اولين بار در سيلو [ 69 ] انجام شد . [ 70 ] در سيلو که صندوق عهد هم در آن قرار داشت ، هر سال عيد رب جشن گرفته مي‌شد . دختران جوان در باغ ها مي‌رقصيدند و الکانا [ 71 ] هر سال براي قرباني به آنجا مي‌رفت . [ 72 ] عبادت در سيلو تا زمان تخريب آن به دست فلسطي‌ها ادامه داشت . در دوران پادشاهي ، دو گونه زيارتگاه وجود داشت . يکي قربانگاه بيت ايل و دان و ديگري قدس که هم صندوق عهد در آن قرار داشت و هم معبد بود .

پس از تکميل معبد سليمان نيز جشن سه عيد آغاز شده است . [ 73 ]

سخنان پروبوآم [ 74 ] در زمينة حج نيز بر اهميت معبد قدس تأکيد دارد . [ 75 ]

کشش و جذابيت خاص قدس ، و نيز واکنش‌هاي پيامبران نسبت به قربانگاه‌هاي جدايي طلب ، مهم‌ترين رويدادهايي بود که زمينه ساز مرکزيت عبادت گرديد . ولي براي رسيدن به اين هدف ، وجود يک حاکم نياز بود . به همين دليل حزقيل از قرن هشتم به بعد مردم را براي جشن پرشکوه پاسکاليا [ 76 ] به قدس فراخواند . [ 77 ]

رفرم اصلي بعد از يافتن تثنيه در سال 621 از طرف پادشاه يوشيا [ 78 ] انجام شد . زيارت قدس بعد از تخريب معبد هم ادامه داشت . [ 79 ]

در يهوديت الوهيت [ 80 ] و ياهويست [ 81 ] که قوانين باستاني يهود را تعيين کرده بودند ، بر ضرورت برپايي سه جشن تأکيد مي‌کردند : در سال سه بار بايد براي من جشن ( hag ) بگيري . تمام مردان تو در طول سال بايد سه بار در حضور رب ( Yahava ) حضور يابند . [ 82 ]

با اينکه فرمان انجام حج متوجه مردان بود ، امام همان گونه که در زيارت سيلو تجلي يافته بود ، رنگ خانوادگي به خود گرفته بود .

از ميان سه عيد يهود ، مهم‌ترين آنها عيد سوکوت بود . الکانا در اين عيد به سيلو مي‌رفت . سوکوت تا زمان مورخ يهودي ، جوزف ، بزرگترين و مقدس‌ترين عيد عبري ها بود . اساسي‌ترين مراسم اين جشن ، برپا ساختن سايبان ها بود که در اواخر دوران اسارت مرسوم شده بود . [ 83 ]

در اين سه عيد که حج هم برگزار مي‌شد ، از آنجا که دست خالي رفتن مناسب نبود ، هر کسي بر اساس برکتي که خداوند به او عطا کرده بود ، موظف بود به اندازة توانش هديه‌اي براي معبد بياورد . حجاج معمولاً هدايا را خودشان تهيه مي‌کردند ، فقط به نظر مي رسد تدارک قرباني معبد ، سازماندهي تجاري مشخصي داشته است . [ 84 ]

بعد از اشغال بابل ، معبد بازسازي شد و حج سال 515 با عيد فسيح از سرگرفته شد . [ 85 ] جشن سوکوت با شکوه تمام برگزار شد . [ 86 ] به مرور زمان ، چون ضوابط مربوط به حج و اهميت رعايت آن نمايان‌تر شد ، بعد تقوا در حج تجلي بيشتري يافت . [ 87 ]

شکل حقوقي و کلي حج که در سفر خروج و تثنيه مطرح است ، در ميشنابه شيوه‌هاي سنتي با توضيح و تفصيل بيشتر بيان شده است .

حج تنها بر مردان واجب بود . زنان ، اسرا ، معلولين ، نابينايان ، بيماران ، سالمندان ، يتميان و کودکان از اين عبادت معاف بودند . [ 88 ] بر اساس آنچه در انجيل لوقا آمده است ، [ 89 ] کودکان پس از رسيدن به 12 سالگي و هنگامي که بتوانند از مادرشان جدا شوند ، [ 90 ] مي‌توانند در اين مسافرت شرکت کنند .

در اين اعياد ، مردم از يک ماه قبل آموزش هاي لازم را مي‌ديدند . پانزده روز مانده به عيد ، يک دهم گله‌ها جدا مي‌شد ، ماليات ها جمع‌آوري و در طول عيد براي مصارف مشترک از خزانه معبد برداشته مي‌شد . براي امنيت و ديگر ملزومات حجاج آمادگي‌هاي لازم را تدارک مي‌ديدند . ميادين و کوچه‌هاي شهر را آماده و خيابانها را تعمير مي‌کردند . چاه‌ها لايروبي و پلها مرمت مي‌شد .

هفتاد سال پس از ميلاد ، بعد از تخريب معبد ، مراسم حجي که مربوط به معبد بود ، از بين رفت . اما زيارت ارض مقدس يهوديان ادامه داشت . خاطرات گذشته و آروزي برگشت به آن سرزمينها و قبور برزگان يهودي در آن مکان ها ، يهوديان را به آن سرزمين مي‌کشيد .

در قدس « ديوار گريه » که به اعتقاد آنها باقي ماندة معبد سليمان است ، از مکانهاي مهم زيارتي شد . علاوه بر قدس ، مکانهاي زيارتي يهود از اين قرار است : قبور : زبولوم [ 91 ] در سيدون ، [ 92 ] رابي ( خاخام ؟ ) مير [ 93 ] در تيبرياس ، [ 94 ] در مروم ، [ 95 ] پيامبر هوشئا [ 96 ] در سادف ، [ 97 ] بني‌ساموئل در سامويل ، [ 98 ] راحل [ 99 ] در بيت اللحم ، داوود در قدس ، ناهوم [ 100 ] در اطراف موصل ، عذرا در باسوراح [ 101 ] نزديک کورنا ، [ 102 ] حزقيل در بابل ، دانيال در کرکوک ، استرو [ 103 ] موردکاي [ 104 ] در همدان يراميا [ 105 ] در فوستات [ 106 ] و غارايليا در تپة کارمل . [ 107 ]

اصول و آداب حج يهوديان ، توسط علماي يهود تثبيت شده ودر ميشنا بخش مستقلي را به خود اختصاص داده است . رابي يوهانان بن زکاي [ 108 ] نيز حج را تشويق کرده است .

از آنجا که ديگر معبدي وجود نداشت ، عمل قرباني کردن حذف شده بود ، امّا به اهميت خود باقي بود . رابي گاماليل دوم ، دعا براي تجديد قدس را نيز به مراسم افزوده بود .

در سال 1211 ، سيصد نفر از رابيهاي غربي براي مراسم حج به فلسطين آمدند . امروزه نيز در روزهاي مشخصي ، يهوديان اين مکان ها را زيارت مي‌کنند . اعتقاد آنان اين است که اين زيارتها برايشان شانس مي‌آورد و بدشانسي ها را از بين مي‌برد .

از اعمالي که در مراکز حج انجام مي‌شد مي‌توان دعا ، به جا آوردن نذر ، نوشتن خواسته‌ها و آرزوها بر کاغذ و قرار دادن در اين مکانها و . . . را نام برد .

غير از ديوار گريه و ديوار غربي معبد سليمان ، زائران در ساير مراکز ، از مقدسين التماس شفاعت و دعا مي‌کنند .

در عهد جديد يهود ، حج جايگاه مشخصي ندارد . بنابر انجيل لوقا حضرت مسيح تنها يکبار در عيد براي حج به فلسطين رفته است . [ 109 ] ولي انجيل يوحنا مي‌گويد حضرت عيسي هر سال در اين مراسم شرکت مي‌کرده است . [ 110 ]

در باور مسيحيت ، حضرت عيسي با آخرين سفرش به قدس ، حج اسکاتولوژيکش [ 111 ] را به شهر خدا انجام داده و پادشاهي خدا را شروع کرده است .

مسيحيان اوليه نيز مانند يهوديان معبد قدس را زيارت مي‌کردند . [ 112 ] با اين حال کليسا مي‌خواست معبد تازه‌اي بسازد .

بنابر گزارش اپيفون ، [ 113 ] در هنگام سفر پادشاه هادريانوس [ 114 ] در سال 130 ، قدس ويرانه‌اي بيش نبود . تنها چند خانه ، و يک کليساي کوچک در نزديکي محل تجمع شاگردان حضرت مسيح . ( خانه‌اي که بعد از عروج مسيح به آسمان ، آنجا جمع مي‌شدند . ) باقي مانده بود . اين کليسا بعدها کليساي سيون [ 115 ] و زيارتگاه حاجيان مسيحي شد .

به گفتة اوريگن [ 116 ] که از سال 216 به بعد ، عموماً در آن سرزمينها حضور داشته ، غاري در بيت اللحم ( محل تولد مسيح ) و مکان به صليت کشيده شدن آن حضرت در گولگوتا ، [ 117 ] زيارتگاه مسيحيان بوده است .

در زمينه توسعه يافتن حج در قدس ، بيش از انگيزه‌هاي ديني ، تأثير کنستانتين [ 118 ] اول مشهود است . او با ساختن کليساهاي متعدد در جابه‌جايي قدس ، توجه مسيحيان بسياري را به زيارت مکانهاي مقدس جلب کرد ؛ مکان هايي که مسيح در آنها متولد شده ، زندگي کرده ، و به صليب کشيده شده بود .

در کنار زيارت قدس ، زيارت بارگاهها و حتي راهباني که در معابد زندگي مي‌کردند ، نوعي حج محسوب مي‌شد .

و همچنين زيارت کليساهايي که برقبور شهدا و اوليا بنا شده بودند .

پراکندگي خاستگاه‌هاي حج در مسيحيت شرقي از فلسطين ، محل تولد و تبليغ مسيح آغاز مي‌شود و تا مصر ، مهد زندگي عبادي عيسي ادمه مي‌يابد .

در يهوديت قديم و دوران اولية مسيحيت ، معني حج يکي بود . با اين تفاوت که در بني‌اسرائيل ، زيارت اين معبد ، سه بار در سال اجباري بود ، اما مسيحيان عقيده دارند که حضرت عيسي اين کار را در آخرين سفر خود به اين معبد انجام داده است . بنابراين حج در مسيحيت ، گروهي و جمعي نيست ، بلکه سفري است که انسان متدين براي رفع حوائج فردي خود به جا مي‌آورد .

در مسيحيت ، حج ، زمان مشخصي ندارد ، امام عموماً اين کار در سنين جواني انجام مي‌شود . کسي که به قدس مي‌رسد ، احساس مي‌کند کار بزرگي در زندگي خود انجام داده است . وقتي به محل مرگ و حيات عيسي نگاه مي‌کند ، آرزو مي‌کند که اي کاش او هم در همين مکان بميرد .

در زبان ارمني کلمة ماهدسي [ 119 ] به کسي گفته مي‌شود که ديدن آتش روشن شده در قدس ، در عيد پاسکاليا ، و مرگ را ، همزمان تجربه کند . اين کلمه به کسي که از حج قدس برگردد نيز اطلاق مي‌شود .

حجاج روسيه کفش هاي سفيد با خود به قدس مي‌برند و در حالي که آنها را به خود بسته‌اند ، در نهر اردن خود را شست و شو مي‌دهند . نهر اردن همان جايي است که حضرت عيسي در آن غسل تعميد انجام داده است .

ديگر مسيحيان شرقي ، کفن هاي سفيدشان را ، روز جمعه ، روز به صليب کشيده شدن عيسي روي قبر او مي‌گذارند .

حجاجي كه گروهي به قدس مي‌روند ، در هنگام بازگشت به شکرانة اين توفيق ، در کليسا به دعا مي‌نشينند و هدايايي را که از قدس آورده‌اند ، ميان مردم پخش مي‌کنند .

حج براي يک مسيحي نجات يافتن و تماس با يک موجود الهي است . او عقيده دارد که در حريم زيارتگاه حج ، مورد عنايت يک نيروي فوق طبيعت قرار مي‌گيرد . البته اين عنايت ممکن است براي بعضيها قبل از رفتن به حج حاصل شود . در اين صورت حج رفتن او ، براي تقديم شکرانه انجام مي‌گردد .

پس حج مسيحي دو گونه است : يکي زيارت براي کسب لطف و عنايت و ديگري حج شکرگزاري و سپاس . امّا در هر دو گونه ، مهم نسبتي است که به واسطة اوليا ، بين شخص و خدا به وجود مي‌آيد .

در عقايد مسيحي ، پس از مرگ اوليا ، حتي لباس هايي که با بدن آنها تماس داشته ، مقدس مي‌شوند . بنابر گفتة عهد جديد ، خداي عزيز ، توسط پاولوس [ 120 ] معجزات متعدد و متنوعي را به ظهور و بروز رسانده است تا حدي که براي شفاي بيماران دستمال و لنگ هايي که با بدن او برخود داشته مي‌بردند و به اين وسيله بيماريها و ارواح خبيث را دور مي‌کردند . [ 121 ]

قبور و کليساهايي که تکه‌هاي بدن يا لباس اوليا ( رليک ) [ 122 ] در آنها باقي مانده نيز ، در ميان مسيحيان به عنوان مراکز معالجه ، راهنمايي ، مغفرت و هدايت به قصد حج زيارت مي‌شود .

در دورانهاي آغاز مسيحيت ، مسيحيان فلسطين را مرکز امانت هاي بزرگ ومقدس مي‌شناختند . اين يک حقيقت تاريخي است که عيسي با فلسطين تماس فيزيکي داشته ، در آن سرزمين زندگي کرده است . بر اين اساس تمام مناطق ، سرزمينهاي مقدس ناميده مي‌شدند . البته نهر اردن که عيسي در آن غسل تعميد انجام داده و تپه‌هاي گولگوتا ، محل به صليب کشيده شدن حضرت ( به اعتقاد مسحيان ) از قداست بيشتري برخوردار است .

در قرن چهارم بر اساس ادعاهايي که هلنا مادرکنستانتين مطرح نمود ، شمار حاجيان فلسطين به طور چشمگيري افزايش يافت . او ادعا کرد که محل واقعي صليب در خواب به او معرفي شده است و تکّه‌هايي از صليب را بر اساس آن رؤيا يافته است .

در آن دوران يادگار مهمي که حجاج رغبت بسياري به آن نشان مي‌دادند ، سر حضرت يحيي بود که ادعا مي‌شد در ميان بقاياي کاخ هرود [ 123 ] پيدا شده است .

پس از فتح فلسطين به دست مسلمين ، اين بار مراکز حج مسيحي در اروپا به وجود آمد . چون در رم جسد دو حواري بزرگ ، پترس و پاولوس و در اروپا جسد اوليايي که بر اثر فشار دستگاه حکومت بر مسيحيان شهيد شده بودند ، کشف شد . همين مسائل باعث جلب توجه بيشتر به اين منطقه گرديد .

در اسپانيا در سانتاگو دکومپوستلا [ 124 ] قبري منسوب به حواري ، يعقوب بزرگ ، از مراکز مراسم حج به شمار مي‌آمد . مردم بر اين باور بودند که اين حواري ، پانزده قرن پس از کشته شدنش ، در هنگام فتح دوبارة شبه جزيرة ايبويا در کنار کاتوليک ها در جنگ عليه مسلمين شرکت کرده است و بر اساس همين باور او را جلاد مسلمانان [ 125 ] مي‌ناميدند .

به کساني که به مناسبت سال مقدس مراکز بزرگ مثل قدس ، رم و سانتاگو دکومپوستلا را زيارت مي‌کردند ، از طرف کليسا برگة بخشودگي گناهان [ 126 ] اعطا مي‌شود . لذا در سال هايي که مقدس اعلام مي‌شوند ، شمار حجاج به شدت افزايش پيدا مي‌کند . ( مثلاً براي سانتاگو ، در صورتي که جولاي که در تقويم مسيحي متعلق به يعقوب مقدس است ، مصادف با يکشنبه باشد ، آن سال مقدس خواهد بود )

آنگونه که از شواهد به دست مي‌آيد ، اولين مراکز حج در اروپا ، قبوري است که در آن اشيا و بقايايي از اوليا بر جاي مانده است . اين گونه از عبادات تا قرن 13 از طرف اسقف و بعدها از طرف پاپ مشروع شمرده شده است .

در ميان اين مکان هاي مقدس ، مقبرة پترس و قبر يعقوب در سانتاگو بيشترين تعداد زائران را دارد .

از قرن 12 به بعد ، دو گونه حج مربوط به حضرت مريم ( س ) رواج يافت که تا امروز نيز مرسوم است : 1 . مکان هاي زيارتي که بر اساس احترام به يک مجسمه يا تابلوي معجزه‌آسا برپا شده است . به اين مجسمه‌ها و تابلوها مريم مقدس سياه هم گفته مي‌شود . مي‌توان گفت که سياهي رنگ آن ، به دليل ساليان طولاني زير خاک بودن ( براي پنهان ماندن از دشمن ) به وجود آمده است . آنان عقيده دارند مکان اين مجسمه‌ها و تابلوها در رؤيا به يک کشيش يا راهبه يا يکي از مردم عادي معرفي شده است .

نمونه‌هايي از اين مکان ها عبارت‌اند از : روکامادور [ 127 ] وچارتزله پوي [ 128 ] درفرانسه ، گوادالوپ [ 129 ] و مونتزرات [ 130 ] در اسپانيا ، ماريازل [ 131 ] در اتريش ، اين سيلن [ 132 ] در سوئيس و جزتوچوا [ 133 ] در لهستان .

اين مناطق از قرون وسطي تا کنون زيارتگاه مسيحيان معتقد است .

2 . مکانهايي که حضرت مريم در آنجا ديده شده و به فردي که خود انتخاب کرده پيغامي داده است . ديده شدن حضرت مريم ( س ) بيشتر در قرن هاي 19 و 20 اتفاق افتاده است . مهم‌ترين اين مکانها عبارت‌اند از : رئودوباک [ 134 ] در پاريس ( 1830 ) لاساتا [ 135 ] در فرانسه ( 1846 ) ، لوردس [ 136 ] ( 1858 ) ، پونتاين [ 137 ] ( 1871 ) ، پله وويسين [ 138 ] فاطيما در پرتغال ( 1917 ) ، بيورانگ [ 139 ] و بانوکس [ 140 ] در بلژيک . ( 1932 ) .

يکي ديگر از مراکز زيارتي خانه‌اي است که در ناصره ( Nazereth ) که حضرت مريم ( س ) در آن زندگي کرده است . به اعتقاد مسيحيان اين خانه امروز در مکان هاي ديگري ظاهر شده است . آنان عقيده دارند ملائکه اين خانه را جا به جا کرده‌اند و به ايتاليا در نزديکي هاي آنکونا [ 141 ] در لورتو [ 142 ] و در انگلستان در نزديکي نورفولک [ 143 ] در والسينگهام [ 144 ] آورده‌اند . ( Hag house, Santa Case ) .

در گذشته مراسم حج مسيحيان ، نوعي مجازات گناهکاران در اين جهان شمرده مي‌شد ؛ يعني فرد گناهکار کفاره‌اي مي‌داد تا از گناهش پاک شود . بر همين اساس هم در دوراني که وسايل نقلية مدرن وجود نداشت ، بايد پيراهني از مو بر تن مي‌کردند و تا سانتياگو پياده مي‌رفتند . اين عمل جلوه‌اي از عذاب اعراف ( Purgatory ) شمرده شده است . امروزه با وجود امکانات و وسايل نقليه ، حج نمايي دسته جمعي يافته است .

در اروپاي امروز بيشترين تعداد زائران لوردس در جنوب فرانسه مي‌آيند . عقيدة مسيحيان بر اين است که شست و شو در نهر يا دوش هاي ويژة نصب شده در اين محل ، بيماري‌هاي لا علاج را شفا مي‌دهد . زائران اين مکان به مرز پنج ميليون نفر در سال مي‌رسد .

مقام دوم را فاطيما در پرتغال با چهار ميليون زائر در سال به خود اختصاص داده است . رئو دوباک در پاريس هم سالانه يک ميليون زائر دارد . حج رم هم بيشتر در سالهاي مقدس انجام مي‌شود .

در قارة آمريکا نيز مکان هاي زيادي براي حج کاتوليک ها وجود دارد . قديمي‌ترين مکان حج در اينجا احتمالاً مکاني است متعلق به حضرت مريم ( س ) که در جمهوري دومينيکن در سانتوسرو [ 145 ] واقع شده است . بر اساس نظر رايج کريستف کلمب به شکرانة پيروزي بر بوميان آمريکا ، صليبي را در اين مکان نصب کرده بود . مهاجران و مبلغان ديني که به آمريکا آمدند ، سنت حج را فراگير نمودند .

مشهورترين مکان حج در دنياي نو ، مکاني است با چهارده ميليون زائر در سال به نام نوسترا سنورا د گادالوپ . [ 146 ] بر اساس اسطوره‌ها ، در تاريخ نهم دسامبر 1531 ، مريم مقدس در منطقه‌اي به نام تپياک [ 147 ] در مکزيکوسيتي امروز ، براي يک روستايي مکزيکي به نام جان ظهور کرده است .

آنچه سنت حج را در آمريکا شکل داده است ، تفکر حج مهاجران اين سرزمين است . مهاجراني که از اسپانيا ، پرتغال و فرانسه در قرن هاي شانزده و هفده ميلادي به اين قاره آمده بودند . با مهاجرت اهالي مناطق ديگر اروپا در قرنهاي 19 و 20 ، اختلافات بسياري در مورد مراکز حج و بارگاههاي زيارتي پيش آمد . در بعضي مناطق ، به مکانهاي مقدس بوميان آمريکا نيز ، رنگ و بوي مسيحي داده شد .

بيشتر مراکز حج در دنياي نو ، مرتبط با رؤيت حضرت مريم ( س ) است . مجسمه‌هاي زيارتي توسط مبلغان مذهبي يا افراد مرموز در مکانهاي امروزي خود قرار داده شده‌اند .

در سرزمينهاي آناتولي نيز محل هاي زيارتي حج مسيحي وجود دارد . اين مکان ها مربوط به تاريخ مسيحيت و شخصيت هاي مهم آن است . مکانهايي که پاولوس در مسير مسافرت ديني خود طي کرده است ، امروزه توسط مسيحيان زيارت مي‌شوند از جمله انطاکيه . پاولوس ، پترس و بارنابا مسيحيت را در اين منطقه گسترش دادند .

در سال 252 تا 300 بعد از ميلاد ، در اين شهر ده کليسا ساخته شده و در مرحلة اول کليساي انطاکيه در ميان پنج کليساي بزرگ جاي گرفته است .

مکان مقدس ديگر نيز افس [ 148 ] است . پاولوس به قصد انتشار و تبليغ مسيحيت در اينجا مانده ، يوحنّا ، حواري بزرگ نيز در افس زندگي کرده و در آنجا دفن شده است . بعضي مي‌گويند حضرت مريم ( س ) با يوحنّا به اينجا آمده و زندگي کرده است ، ولي اين نظر ضعيف است .

خانه‌اي که در افس قرار دارد و منسوب به حضرت مريم ( س ) است ، يکي از مکانهاي زيارتي حج به شمار مي‌آيد . مسيحيان از آب مقدس اين مکان مي‌نوشند و دعا مي‌کنند .

پدر پٍٍٍٍُل ششم در سال 1967 و پاپ ژان پل دوم در سال 1979 اين مکان را زيارت کرده‌اند . از سوي ديگر آنتاليا ( Demre ) نيز به عنوان محل دفن سان نيکلاس ( بابانوئل ) يا ( Aya Nikola ) زيارت مي‌شود .

در اينجا کليسا هم وجود دارد که متعلق است به اسقف دمره ، ميرا . در قرن نهم استخوان هاي نيکلاس که در زمان ديوکلت [ 149 ] به قتل رسيده بود ، از اين مکان به باري [ 150 ] در ايتاليا منتقل شده است . نيکلاس به عنوان حامي مقدس درياداران ، کودکان و مردم روسيه ، يونان و سيسيل شناخته شده است .

ــــــــــــــــــــــــــــــــــ

[ 1 ] M . Eliade, Le Sacreetle profane, s . 2526 ؛ a . mlf ؛ traite a histo des religions, s . 315 \_ 318 .

[ 2 ] DBS,7,567

[ 3 ] ERE,10,12

[ 4 ] Nippur

[ 5 ] Ninova

[ 6 ] Sin

[ 7 ] Belit \_ Ekalli

[ 8 ] Qanta

[ 9 ] Baoltis

[ 10 ] Byblos

Enlil . [ 11 ]

[ 12 ] Ishtar .

[ 13 ] Esagil .

[ 14 ] Marduk .

[ 15 ] Sung \_ shan

[ 16 ] Tai \_ shan

[ 17 ] Hua \_ shan

[ 18 ] Heng \_ shan

[ 19 ] Non \_ ya \_ shan

[ 20 ] Wu \_ tai \_ shan

[ 21 ] O \_ mei \_ shan

[ 22 ] Pu\_ to \_ shan

Chiu \_ hua \_ shan [ 23 ]

[ 24 ] Comorin

[ 25 ] Orissa

[ 26 ] Kathiavar

[ 27 ] Benares

Ganj [ 28 ]

[ 29 ] Anand

[ 30 ] Stupa

[ 31 ] Ashoka

dharmayatra [ 32 ]

[ 33 ] BodhGaya . Buddhu Gaya . Bodhygaya

[ 34 ] Siddhartha Goutoma

[ 35 ] . Lumbuni

[ 36 ] isipatano

Kushinagara [ 37 ]

[ 38 ] Utar pradesh

[ 39 ] Nirvana

[ 40 ] Drahma

[ 41 ] Junrei

[ 42 ] Dedu

[ 43 ] Busiris

[ 44 ] Bubiastis

[ 45 ] Abdias

Abdu [ 46 ]

[ 47 ] Amon

Siya [ 48 ]

Ptolem [ 49 ]

[ 50 ] Serapis

Memphis [ 51 ]

[ 52 ] Biblos

[ 53 ] Aphaka

[ 54 ] Heliopolis tyr

[ 55 ] Hiera polis

[ 56 ] Yahve

[ 57 ] ( خروج 14/23 ، 14 ، 17 ؛ 23/34 )

[ 58 ] Fysyh ( Paskalya )

[ 59 ] Chavuat ( Penteksat )

[ 60 ] Sukkot

[ 61 ] Diaspora

[ 62 ] آفرينش 6/12

[ 63 ] آفرينش 8/12 و 3/12

[ 64 ] آفرينش 18/13 و 1/18

[ 65 ] آفرينش 33/21

[ 66 ] آفرينش 22/30

[ 67 ] آفرينش 32/30 .

[ 68 ] آفرينش 28/16 \_ 22 ؛ 35/6 \_ 15

1 Silo

[ 70 ] يشوع 18/1 ؛ حاکمها 18/21

[ 71 ] Eikana

[ 72 ] ساموئل 1

[ 73 ] حاکمها اوليه ( 9/25 )

[ 74 ] Yeroboum

[ 75 ] همان ( 9/27 )

[ 76 ] fisih يا Paskalya

[ 77 ] پادشاهان دوم 23/22 و تاريخهاي دوم 30/13 .

[ 78 ] Yoshiya

[ 79 ] يرميا 15/14 .

[ 80 ] Elohist

Yahovist [ 81 ]

[ 82 ] خروج 23/14 \_ 17

[ 83 ] نهميا 8/17

[ 84 ] DBS, 711,587

[ 85 ] عذرا 6/19

[ 86 ] نهميا 8 .

[ 87 ] مزمورها 120/134 .

[ 88 ] ميشنا ، ‌حقيقا 1 و 1 .

[ 89 ] 42/2 .

[ 90 ] ميشنا ، سوکا 8/11 .

[ 91 ] Zebulum

[ 92 ] Sidon

[ 93 ] Rabbimeir

[ 94 ] Tiberias

[ 95 ] Merom

Hoshea [ 96 ]

[ 97 ] Sadef

[ 98 ] Samvil

[ 99 ] Rohel

[ 100 ] Nahum

[ 101 ] Bassorah

[ 102 ] Kurna

[ 103 ] Ester

Mordekay [ 104 ]

[ 105 ] Yeremya

Fustat [ 106 ]

[ 107 ] Karmel

17 Yohanan ben Zekkay

[ 109 ] متا ، 17 \_ 15\_ 11 \_ 1/21 . و مارکوس ، 10\_ 1/11 و لوقا 19/28 \_ 40 .

[ 110 ] 2/13 \_ 6/4 \_ 10/22 \_ 11/55 .

[ 111 ] eskatolojik

[ 112 ] امور رسل ، 5/42 و 3/1 .

[ 113 ] Epiphone

[ 114 ] Hadrianus

[ 115 ] Sion

[ 116 ] Origene

[ 117 ] Golgotha

Konstantin 7

[ 119 ] Mahdesi

[ 120 ] paulos

[ 121 ] امور رسل ، 19/12 .

[ 122 ] Relic

[ 123 ] Herod

[ 124 ] Santiago de compostela

[ 125 ] Mozlem salyer

[ 126 ] Enduljans

[ 127 ] Rocamadour

[ 128 ] Chartes le puj

[ 129 ] Guadulup

[ 130 ] Monteserrat

[ 131 ] Moriazell

[ 132 ] Einsiedeln

[ 133 ] Czestochowa

[ 134 ] Rue du Bac

[ 135 ] La salette

[ 136 ] lourdes

[ 137 ] Pontmain

[ 138 ] Pelle voisin

[ 139 ] Beauraing

[ 140 ] Banneux

[ 141 ] Ancona

[ 142 ] Loreto

[ 143 ] Norfolk

[ 144 ] Walsingharm

[ 145 ] Santo corro

[ 146 ] Nuestra Senora de Gua dalupe

[ 147 ] Tepeyak

[ 148 ] Efes

[ 149 ] Dioclet

[ 150 ] Bari